

سه داستان

گوستاو فلوبر

دکتر میرجلال الدین کزازی



نشر گویا

فهرست

دییاجھی ترجمان / ۹

سادهدل / ۲۳

افسانه‌ی ژولین، تیمارگریپاک / ۸۵

هرودیا / ۱۳۳

حدیث زکریا... / ۲۱۱

ساده‌دل

در درازای نیم قرن، زنان توانگر پون لِه وک، بر بانو اوین، به سبب خدمتگارش، فلیسیته، رشک می‌بردند.^۱

این خدمتگار، در ازای سالی صد فرانک، آشپزی می‌کرد؛ به کارهای خانه می‌پرداخت؛ می‌دوخت؛ می‌شست؛ اتوکشی می‌کرد. او می‌توانست

در این داستان، بازگشت‌های فلور به آزمونهای زندگیش، پر شمار، دقیق و به گونه‌ای کم‌بند یکسره و بی‌واسطه است. این بازگشتها، به فراخی، در کتاب *اشباح تروویل*، نوشته‌ی گلی (۱۹۳۰) آورده شده است و ما همین یک بار به آن ارجاع می‌دهیم. پون لِه وک، *تروویل*، برای داستان‌نویس مکانهایی است، سرشار از مفاهیم خانوادگی و احساسی؛ *تروویل*، باری دیگر، در آوریل ۱۸۷۶ دیدار کرد تا یادمانهای خود را از نوزنده دارد. مادرش *لِه وک* زاده بود و بدان وابستگی بسیار داشت. چهره‌ی بنیادین بانو اوین از یکی از *تروویل* گرفته شده است. این خویشاوند آشکارا پیرتر و به راستی بس توانگرتر از *تروویل* بوده است (بر بنیاد نامه‌ای از فلور که در نوامبر ۱۸۴۱ نوشته شده است. *تروویل* به هنگام مرگ ثروتی فزونیتر از ۷۰۰,۰۰۰ فرانک بر جای نهاده است). چهره‌ی بنیادین *تروویل* گویا پیردختری، خدمتگاری بی‌ارج و وفادار بوده است که فلور او را در *تروویل*، در *تروویل* دوستش پیر باری، سروان دیرین، با پیشینه‌ی کاری دیرباز که او را پس از این در *تروویل* خواهم یافت، نگریسته بوده است.

تروویل توک و ژفس که سطری چند پس از این و در بخشهای دیگر داستان از آنها یاد می‌شود. با همین نام از آن مادر فلور بوده است؛ پس از مرگ مادر، توک به برادر فلور *تروویل* به خود او. فلور این مزرعه را به سال ۱۸۷۲، در ماجرای *تروویل* به ۲۰۰,۰۰۰ *تروویل* فروخت؛ همچنان پس از آن، چون بانو اوین، او خانه‌ی پارسیش را و انهد تا در *تروویل* کم‌خرجتر سکنا گیرد.

اسب را زین کند؛ مرغان خانگی را پیرورد؛ کره بزند و همواره به بانویش، هر چند که زنی چندان دلپذیر نبود، وفادار بماند.

بانوی او با جوانی زیبا و بی چیز پیوند زناشویی بسته بود که در آغاز سال ۱۸۰۹ زندگی را بدرود گفت. او دو کودک خردسال و مقداری وام و بدهی بر جای نهاد. بانو اوین املاک خود را، بجز مزرعه‌ی توک و مزرعه‌ی ژفس فروخت. بیشترین درآمد حاصل از اجاره‌ی این دو مزرعه به حدود ۵۰۰۰ فرانک می‌رسید. پس از آن، از منزل خود واقع در سن - ملن دست کشید تا در خانه‌ای با هزینه‌ی کمتر که از نیاکانش به یادگار مانده بود، واقع در کویی، پشت بازار روز سکونت گیرند.

این خانه^۱ با نمایی از سنگ درشت، در میانه‌ی گذرگاه و کوچه‌ای تنگ که راه به رودخانه می‌کشید، واقع شده بود. خانه، از درون، اختلاف سطح و شیب و فرازی داشت که مایه‌ی لغزیدن و افتادن می‌شد. راهرویی باریک آشپزخانه را از اتاق بانو اوین جدا می‌کرد؛ او سراسر روز را، در این اتاق، نشسته بر صندلیی نین، در کنار پنجره به سر می‌آورد. در برابر دیوارپوش که سپیدرنگش زده بودند، هشت صندلی از جنس آکاژو، به ردیف نهاده شده بود. بر پیاثویی کهنه که دماسنجی بر فرازش آویخته بود، تلی هرم وار، از قوطیها و جعبه‌های مقوایی دیده می‌شد. نگاره‌ی دو شبان که بر مفرش رسم شده بود، در کنار بخاری دیواری نظرها را به خود می‌کشید. بخاری مرمرین به سبک و شیوه‌ی مرسوم در زمان لویی پانزدهم ساخته شده بود. آونگی در آن میان، تصویری از معبد وستا را عرضه می‌داشت. در تمامی ساختمان، اندکی، بوی ماندگی و نمزدگی به

۱. ژرار گایی این خانه را با خانه‌ی شماره‌ی ۱۴ میدان روبر دو فلر یکی دانسته است.